

زندگی، عقیده و مرگ

فرقة العين

مهملدی نورمحمدلی

یکی از شخصیت‌های تاریخی که تا کنون چهره واقعی او به درستی شناخته نشده، ام‌السلمه برغانی ملقب به طاهره قره‌العین است. شگفت‌انگیز است که در مورد بسیاری از وقایع سرگذشت وی دانسته‌های روشنی وجود ندارد و منابع موجود، اطلاعات یکسانی را در این خصوص ارائه ننموده‌اند که همین مسئله، باعث شده است چهره واقعی او بیشتر در غبار ابهام‌ها، افسانه‌ها و دروغ‌ها پنهان گردد.

با توجه به این که تا کنون تحقیق جامع و عاری از تعصبی که دربرگیرنده تمامی وقایع سرگذشت این شخص باشد انجام نشده است، نگارنده بر آن شد با بهره‌گیری از کتب تاریخی (موافق و مخالف) و اسناد نویافته، چهره واقعی او را ترسیم نماید.

از ویژگی‌های این کتاب، تحلیل و جمع‌بندی نهایی است که با عنوان «سخن پایانی» در آخر سرگذشت قره‌العین به چاپ رسیده است. یکی از موارد مهم این نتیجه‌گیری، اثبات وابسته نبودن او به بهائیت است که این موضوع، به شدت مورد بهره‌برداری تبلیغاتی این آیین ساختگی قرار دارد.



ISBN 978-964-404-295-9

۳۵۰۰۰ تومان

قرة العين

زندگی، عقیده و مرگ

پژوهش و تألیف: مهدی نورمحمدی



سرشناسه	: نورمحمدی، مهدی، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: قرۃ العین (زندگی، عقیده و مرگ)
مشخصات نشر	: تهران: نشر علمی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۴ ص.
شابک	: ۹ - ۲۹۵ - ۴۰۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فی‌بای مختصر
یادداشت	: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۰۶۶۶۰



خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران شماره ۱۲۲۴

تلفن: ۶۶۴۶۰۶۶۷ فکس: ۶۶۴۹۶۶۱۱

قرۃ العین (زندگی، عقیده و مرگ)
پژوهش و تألیف: مهدی نورمحمدی

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لینوگرافی: کوثر

چاپ: مهارت

صحافی: حقیقت

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹ - ۲۹۵ - ۴۰۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

مرکز پخش: انقلاب - خ ۱۲ فروردین - خ شهدای ژاندارمری پلاک ۱۰۳

۱۲ و ۶۶۴۶۰۵۱۱ - ۶۶۴۶۳۰۷۲

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۳	 سال شمار وقایع تاریخی
۱۹	 قره العین (زندگی، عقیده و مرگ)
۲۱	 اجداد و نیاکان پدری قره العین
۲۱	 شیخ محمد کاظم طالقانی
۲۱	 شیخ محمد جعفر معروف به فرشته
۲۱	 شیخ محمد تقی معروف به فرشته
۲۱	 ملا محمد ملانکه
۲۲	 تاریخ تولد و نام
۲۴	 تحصیلات
۲۵	 ازدواج
۲۷	 گرایش به شیخیه
۲۹	 سفر اول قره العین به کربلا
۲۹	 آغاز مشاجرات خانوادگی
۳۰	 ایمان آوردن به باب
۳۳	 سفر دوم قره العین به کربلا
۳۵	 اقدامات قره العین در کربلا
۳۵	 تشکیل مجلس درس و تبلیغ باب
۳۵	 مجادله و مکاتبه با علما
۳۵	 شکستن حرمت ماه محرم
۳۶	 ادعای رجعت فاطمی
۳۶	 ردیه نویسی علیه منکرین باب

۳۷	شکایت علما به حاکم کربلا
۳۸	قره‌العين در بغداد
۴۱	قره‌العين در کرمانشاه
۴۴	قره‌العين در همدان
۴۵	ورود قره‌العين به قزوین
۴۹	جنبش بابیان در قزوین
۵۱	شهادت ملا محمدتقی برغانی
۵۳	فرستادن متهمین به تهران
۵۵	قتل بابیان در قزوین
۵۷	تلاش برای لوٹ کردن جنایت
۶۱	نوشته مورخین مسلمان
۶۹	نقش قره‌العين در شهادت ملا محمدتقی برغانی
۷۳	فرار قره‌العين
۷۵	ورود به تهران
۷۶	حرکت به سوی خراسان
۷۶	تجمع بابیان در بدشت
۷۹	سخنرانی قره‌العين
۸۵	رسوایی
۸۶	اعتراف ناخواسته
۸۹	نقش قره‌العين در کسر حدود
۹۱	خروج بابیان از بدشت
۹۵	پراکنده شدن بابیان
۹۷	دستگیری قره‌العين
۹۸	در خانه کلاتر
۱۰۰	قتل قره‌العين
۱۰۱	نحوه قتل قره‌العين
۱۰۶	محل دفن قره‌العين
۱۰۶	نظریه اول

نظریه دوم	۱۰۸
توضیح	۱۰۸
قره العین، ازلی یا بهایی؟	۱۱۰
قره العین و حجاب	۱۱۱
قره العین و باب	۱۱۲
بازماندگان قره العین	۱۱۴
شیخ ابراهیم	۱۱۴
شیخ اسماعیل	۱۱۴
شیخ اسحاق	۱۱۵
زینت	۱۱۶
برخی از بستگان نزدیک قره العین	۱۱۶
آمنه	۱۱۶
فاطمه	۱۱۷
ملا عبدالوهاب دارالشفایی	۱۱۷
ملا جواد ولیانی	۱۲۰
ربابه برغانی	۱۲۲
آیت الله سید محمد بحر العلوم	۱۲۲
آیت الله حاج میرزا ابوتراب شهیدی	۱۲۴
چند اظهار نظر درباره قره العین	۱۲۶
احمد کسروی	۱۲۶
سید محمدعلی گلریز	۱۲۸
حاج میرزا حسن نیکو	۱۳۰
حسینعلی مؤید پرداز	۱۳۰
محبوبی اردکانی	۱۳۱
اشعار قره العین	۱۳۱
مخمّس میرزا طاهر وحید	۱۵۲
سخن پایانی	۱۵۹
توضیحات	۱۶۷

توضیح ۱۔ ملا صالح برغانی	۱۶۹
آثار ملا صالح برغانی	۱۷۰
بازماندگان ملا صالح برغانی	۱۷۱
موقوفات ملا صالح برغانی	۱۷۲
توضیح ۲۔ مدرسہ صالحیہ	۱۷۵
توضیح ۳۔ ملا محمد تقی برغانی	۱۷۶
توضیح ۴۔ ملا علی برغانی	۱۸۳
توضیح ۵۔ شیخ احمد احساسی	۱۸۴
چکیدہ ای از عقاید شیخ احمد احساسی	۱۸۸
توضیح ۶۔ سید کاظم رشتی	۱۸۹
توضیح ۷۔ سید علی محمد باب	۱۹۲
توضیح ۸۔ حروف حی	۱۹۵
توضیح ۹۔ ملا حسین بشرویہ ای	۱۹۸
توضیح ۱۰۔ ملا عبدالحسین رودباری	۲۰۱
توضیح ۱۱۔ حاج اسداللہ فرہادی	۲۰۱
توضیح ۱۲۔ محمدہادی فرہادی	۲۰۲
توضیح ۱۳۔ سید یحیی دارابی	۲۰۳
توضیح ۱۴۔ خاتون جان فرہادی	۲۰۵
توضیح ۱۵۔ میرزا حسینعلی نوری	۲۰۵
توضیح ۱۶۔ ملا محمدعلی بارفروشی	۲۰۸
توضیح ۱۷۔ کریم خان مافی	۲۰۹
توضیح ۱۸۔ ملا محمدعلی زنجانی	۲۱۰
توضیح ۱۹۔ ترور نافرجام ناصرالدین شاہ	۲۱۲
توضیح ۲۰۔ شیخ کاظم سمندر	۲۱۳
توضیح ۲۱۔ میرزا یحیی نوری	۲۱۴
اسناد و تصاویر	۲۱۷
منابع	۲۵۹
فہرست اعلام	۲۶۳

مقدمه

«سلام و درود بر آخرین فرستاده و پیام‌آور الهی، حضرت محمد مصطفی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و سلام و درود بر فرزندان و جانشینان پاک او، ستارگان درخشان آسمان امامت و هدایت، بخصوص آخرین ذخیره خدا بر روی زمین، حضرت مهدی موعود (عج) که با ظهور خود، بشریت را از ظلمت جهل، ظلم، فریب و تزویر به روشنایی عدل، علم، آگاهی، رستگاری و سعادت رهنمون می‌نماید.»

گاهی چهره برخی از شخصیت‌های تاریخی آنچنان در معرض اغراق، افسانه‌سازی و دروغ‌پردازی قرار می‌گیرد که به راستی قضاوت درباره آنان را برای پژوهشگران و جویندگان حقیقت دشوار می‌سازد. یکی از این شخصیت‌ها که تاکنون چهره واقعی او به درستی شناخته نشده، ام‌السلمة برغانی ملقب به طاهره قره‌العین است.

شگفت‌انگیز است که در مورد بسیاری از وقایع سرگذشت او و از جمله: «نام، تاریخ تولد، سفرهای او به کربلا، نحوه گرویدن به باب، چگونگی، زمان و مکان دستگیری، نحوه کشته شدن و محل دفن وی» اطلاعات واضح و روشنی وجود ندارد و منابع موجود اطلاعات یکسانی در این خصوص ارائه ننموده‌اند که همین مسئله، باعث شده است چهره واقعی او بیشتر در غبار ابهام‌ها، افسانه‌ها و دروغ‌ها پنهان گردد.

این زن که باید او را یکی از جنجال برانگیزترین چهره‌های تاریخ ایران از دوره قاجار تا عصر حاضر دانست، در خاندانی از اهل علم که سابقه درخشانی در دفاع از حریم اسلام و تشیع داشتند پا به عرصه وجود نهاد.

این خاندان روحانی که تدین و تعین را توأماً دارا بودند، در دربار قاجار و حوزه‌های علمیه ایران و عتبات، شهرت و اعتبار فراوانی داشتند.

در عصری که بیشتر مردم ایران از نعمت خواندن و نوشتن بی‌بهره و محروم بودند ام‌السلمة این بخت را داشت که در مدرسه عظیم صالحیه که پدرش حاج ملا صالح برغانی در قزوین بنا نهاده بود سواد بیاموزد. این موهبت استثنایی برای وی و تنی چند از دختران خاندان برغانی^۱ در حالی روی داد که جامعه آن روزگار بنا بر تفکرات غلط و بر

۱. مانند: مرضیه و ربابه دختران ملا صالح برغانی، ام‌کلثوم دختر ملا محمدتقی برغانی و ام‌کلثوم دختر شیخ عبدالکریم روغنی.

خلاف آموزه‌های دینی، منزلتی برای سوادآموزی زنان قائل نبود. داشتن سواد و معلومات دینی، ذکاوت، قدرت بیان، طبع شعر، جذابیت و زیبایی ام‌السلمه را در شهر کوچک قزوین انگشت‌نمای خاص و عام کرده بود و وی به همین خاطر، محبوب پدر خود بود. با این که حاج ملا صالح پسرهای متعددی داشت، آرزو می‌کرد که ای کاش وی پسر بود تا چراغ خاندانش را روشن نگاه می‌داشت. این ویژگی‌ها موجب غرور ام‌السلمه شده بود و او که دریافته بود از این بابت در میان زنان و دختران قزوین و حتی ایران کمتر نمونه‌ای دارد، آرزوهای متعددی را در سر می‌پروراند که شاید یکی از آن‌ها وصلت با خاندان شاهی و ملکه ایران شدن بود. اما سرنوشت مسیر دیگری را برای این زن رقم زد، به طوری که نه تنها به آرزوهایی که سودایش را در سر می‌پروراند نرسید، بلکه گام در راهی نهاد که عاقبت آن، هلاکت و بدنامی بود.

ناکامی‌های ام‌السلمه از همان دوره نوجوانی آغاز شد، زیرا به اجبار و برخلاف میل خود، به عقد پسرعمویش آقا محمد برغانی که علاقه‌ای به وی نداشت درآمد و همین مسئله، زمینه ساز عصیان و طغیان او در سال‌های بعد گردید. ام‌السلمه که از این ازدواج تحمیلی و بارداری‌های متعدد آن به شدت سرخورده شده بود، در نهایت به سید علی محمد باب که از لحاظ سواد و معلومات دینی از او در مرتبه فروتری بود ایمان آورد و چنان در این راه پای فشرد که نه تنها موجب فروپاشی کانون گرم خانوادگی خاندان برغانی شد^۱، که خود نیز جان بر سر این عقیده نهاد. برای شناخت عوامل زوال قرۃ العین از زندگی پر نعمت در خاندان برغانی تا اعدام در باغ ایلخانی، ضروری است که زندگی جنجالی وی به دقت مورد بررسی و کندوکاو قرار گیرد و رفتارها و ویژگی‌های شخصیتی او ریشه‌یابی و تجزیه و تحلیل شود که همین امر مستلزم تدوین زندگی‌نامه‌ای از اوست که مستند به اسناد و مدارک معتبر تاریخی و به دور از اغراق، دروغ، افسانه‌سازی و تعصبات مسلکی و عقیدتی باشد.

۱. حوادث تأثیرگذار بر خاندان برغانی و بستگان نزدیک این خاندان بعد از ظهور باب که قرۃ العین در آن نقشی اساسی و محوری داشت، عبارتند از: شهادت ملا محمد تقی برغانی، مهاجرت ملا صالح برغانی و ملا عبدالوهاب دارالشفایی به عتبات، انزوای ملا علی برغانی در قزوین و حوزه‌های علمیه و از همه مهم‌تر ممنوعیت تحصیل دختران خاندان برغانی. (خاندان برغانی که سواد و تحصیل را باعث ارتداد قرۃ العین می‌دانستند، با هدف پیشگیری از چنین وضعیتی برای دیگر دختران خاندان، درس خواندن و تحصیل را برای آنان ممنوع و یا به شدت محدود کردند.)

در این خصوص، چهار منبع دست اول فرا روی پژوهشگران قرار دارد:

۱. آثار مورخین عصر قاجار همچون: جهانگیر میرزای قاجار، محمدجعفر خورموجی حقایق نگار، محمدتقی لسان‌الملک سپهر، زعیم‌الدوله تبریزی، رضاقلی خان هدایت و اعتمادالسلطنه.

۲. نوشته‌های مورخین بابی و بهایی همچون میرزا جانی کاشانی، نبیل زرندی، میرزا یحیی صبیح ازل، عباس افندی، آقا مصطفی بغدادی، شیخ کاظم سمندر و اسدالله فاضل مازندرانی. (از دروغ‌پردازی‌ها و افسانه‌سازی‌های منابع موافق قره‌العین به خصوص منابع بهایی که بگذریم، در این منابع، اطلاعات ارزشمندی درباره زندگی قره‌العین از منظر تاریخی وجود دارد که در آثار مورخین عصر قاجار به آن اشاره‌ای نشده است).

۳. آثار مورخین غربی همچون: کنت دو گوینو، نیکلا، یاکوب ادوارد پولاک، ادوارد براون و مادام دیولافوا.

۴. چهارمین منبع که نسبت به منابع قبلی از شهرت و اعتبار بسیار کمتری برخوردار است، نوشته‌های دو تن از فضلای خاندان برغانی و بستگان قره‌العین، یعنی شادروانان سرهنگ یحیی شهیدی^۱ و عبدالحسین صالحی شهیدی است که با توجه تعصب در مسلمانی و همچنین سابقه درخشان خاندان خود در گسترش معارف اسلامی و دفاع از حریم تشیع، سعی در تطهیر قره‌العین از بابی‌گری و انکار نقش او در قتل شهید ثالث داشته‌اند. این نوشته‌های احساسی که با هدف پاک کردن صورت مسئله به رشته تحریر درآمده، علاوه بر این که فاقد پشتوانه‌های اسنادی است، با کتب معتبر تاریخی عصر قاجار و نوشته‌های دیگر فضلای خاندان برغانی همچون آیت‌الله حاج میرزا ابوتراب شهیدی و آیت‌الله سید محمد بحرالعلوم نیز سازگاری و همخوانی ندارد. از نمونه‌های غیرمستند و غیرواقعی این نوشته‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ادعای حضور قره‌العین در مجلس تدریس شیخ احمد احسایی، در حالی که وی در هنگام ورود احسایی به قزوین، کودکی چهارساله‌ای بیش نبوده است.

- تکفیر باب و بابیان از سوی قره‌العین.

- مخالفت قره‌العین با نظام سلطنتی قاجار و عثمانی. (فضلای خاندان برغانی علت

۱. نوشته‌های سرهنگ یحیی شهیدی، خود متکی به نوشته‌های عبدالحسین صالحی شهیدی و در واقع، تکرار گفته‌های اوست.

بدگویی مورخین عصر قاجار از قرۃ العین را به خاطر مخالفت او با نظام سلطنتی قاجار و طرفداری او از طبقه رعیت و زحمتکش دانسته‌اند که چنین مطلبی به هیچ عنوان سندیت و واقعیت ندارد.)

- انکار دخالت و نقش وی در قتل ملا محمدتقی برغانی با طرح این ادعا که وی در موقع کشته شدن شهید ثالث در قزوین حضور نداشته و در کربلا بوده است.

لازم به ذکر است این نوشته‌ها در مداخل دایرة المعارف تشیع، دانشنامه جهان اسلام، اثر آفرینان و دایرة المعارف بزرگ اسلامی (همگی نوشته عبدالحسین صالحی شهیدی) و کتاب‌هایی چون: شجره‌نامه خاندان شهیدی و پنج مقاله (هر دو تألیف سرهنگ یحیی شهیدی) و هکذا قتلوا قرۃ العین (چاپ لبنان به عربی، تألیف عبدالحسین صالحی شهیدی) و رساله دیات، پژوهش‌های فلسفی شهید ثالث (هر دو اثر ملا محمدتقی برغانی و به کوشش و مقدمه عبدالحسین صالحی شهیدی) به چاپ رسیده‌اند.

در چند دهه اخیر، موضوع قرۃ العین با مسائل سیاسی به طور تنگاتنگی پیوند خورده و طرفدارانش (از قبیل: بهائیان، طرفداران جنبش آزادی زنان، روشنفکر نمایان و...) از او بیتی مبتنی بر مقاصد سیاسی و اجتماعی خود ساخته و در حال بهره‌برداری از این قرۃ العین جدید در شبکه‌های ماهواره‌ای و محیط‌های مجازی هستند.

با توجه به این مسئله و همچنین با توجه به این نکته که تا کنون زندگی‌نامه جامع، حقیقی و عاری از تعصبی که دربرگیرنده تمامی وقایع سرگذشت قرۃ العین باشد تدوین نشده و ریشه‌های رفتاری او به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است، نگارنده بر آن شد با دخالت ندادن تعصبات مسلمانی و همشهری‌گری در مسیر تحقیق و همچنین بهره‌گیری از کتب تاریخی (مخالف و موافق) و اسناد نویافته، چهره واقعی او را ترسیم نماید. یکی از توفیقات نگارنده که راهگشا و هموارکننده مسیر پریچ و خم این تحقیق تاریخی بود، دستیابی به نوشته‌های کوتاه ولی بسیار ارزشمند دو تن از فضلاء نامدار خاندان برغانی و منسوبین نزدیک قرۃ العین به نام‌های آیت الله سید محمد بحر العلوم قزوینی (نوه دختری ملا صالح برغانی و خواهرزاده قرۃ العین) و آیت الله حاج میرزا ابوتراب شهیدی (نوه پسری ملا محمدتقی برغانی، نوه دختری ملا صالح برغانی و پسر پسرعموی قرۃ العین) است. از آن جا که نوشته‌های این شخصیت‌های فاضل، مبتنی بر شنیده‌های آنان از بستگان درجه یک قرۃ العین بوده است، از لحاظ تاریخی سندیت و ارزش فراوانی دارد. در این جا بر خود لازم می‌دانم از جناب آقای سید حسین مرعشی

نوه آیت الله سید محمد بحر العلوم و جناب آقای کسرا گلریز فرزند سید محمدعلی گلریز که این اسناد را در اختیار اینجانب قرار دادند سپاسگزاری نمایم.^۱

همچنین از جناب آقای دکتر سید محمد حکاک که نام کتاب به انتخاب ایشان بوده است قدردانی می‌نمایم.

در این تحقیق، به زوایای گوناگون زندگی قره‌العین از زندگی تا مرگ پرداخته شده و عقاید و تفکرات ذهنی وی به دقت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از همین رو کتاب حاضر، کامل‌ترین و جامع‌ترین منبع در این خصوص محسوب شده و در کتاب دیگری (چه مخالف و چه موافق) نمی‌توان به چنین اطلاعاتی دست یافت.

علاوه بر ارائه اطلاعات کامل، یکی دیگر از محاسن این کتاب، تحلیل و جمع‌بندی نهایی است که با عنوان «سخن پایانی» در آخر سرگذشت قره‌العین به چاپ رسیده است. یکی از موارد مهم این نتیجه‌گیری، اثبات وابسته نبودن قره‌العین به مسلک بهائیت است که این موضوع، به شدت مورد بهره‌برداری تبلیغاتی این آیین ساختگی قرار دارد. امید است این اثر به شناخت بهتر قره‌العین و قضاوت صحیح درباره‌ی وی منجر گردد، زیرا معتقدم این شخص را باید بر اساس اسناد و مدارک تاریخی شناخت، نه این که با درست کردن قره‌العینی جدید، به بُت‌سازی و اسطوره‌سازی درباره‌ی او پرداخت.

ذکر این نکته نیز ضروری است که کتاب حاضر، فصلی از فصول دوازده گانه کتاب «شیخیه و بابیه در ایران» تألیف نگارنده است که در سال ۱۳۹۳ توسط انتشارات نگاه به چاپ رسیده و اینک با اندکی اضافات و تجدید نظر در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. در خاتمه، مراتب شکر و سپاس خود را به درگاه خداوند متعال که به بنده ناتوان خود توفیق تألیف این اثر را عطا فرمود اعلام می‌دارم.

مهدی نورمحمدی

قزوین: صندوق پستی ۱۷۹۳ - ۳۴۱۸۵

mehdi.nour.m@gmail.com

۱. نوشته آیت الله ابوتراب شهیدی درباره قره‌العین، برگرفته از زندگی‌نامه خودنوشتی است که وی آن را سال‌ها پیش برای چاپ در کتاب مینود، در اختیار سید محمدعلی گلریز قزوین‌شناس فقید قرار داده است.

سال شمار وقایع تاریخی

از تولد تا مرگ قره‌الین

(بر مبنای هجری قمری)

تولد ام‌السلّمه برغانی / ۱۲۳۳

تولد سید علی محمد باب در شیراز / اول محرم ۱۲۳۵

ورود شیخ احمد احسائی به قزوین / ۵ ذی‌حجه ۱۲۳۷

تکفیر شیخ احمد احسائی توسط ملا محمد تقی برغانی در قزوین / محرم ۱۲۳۸

خروج شیخ احمد احسائی از ایران / ۱۲۴۰

تکفیر شیخ احمد احسائی توسط علما و مراجع کربلا / ۱۲۴۱

فوت شیخ احمد احسائی و خاک‌سپاری او در قبرستان بقیع / ۲۱ ذی‌قعدة ۱۲۴۱

آغاز پیشوایی سید کاظم رشتی بر شیخیان / ۱۲۴۱

مجادلات سید کاظم با علمای طراز اول عتبات و توهین به آنان / از ۱۲۴۱ تا ۱۲۶۰

فتوای دسته جمعی روحانیون به لزوم جهاد با روس‌ها / ۱۷ ذی‌قعدة ۱۲۴۱

آغاز دوره دوم جنگ‌های ایران و روس / ۲۲ ذی‌حجه ۱۲۴۱

تحصیل سید علی محمد باب در مکتب‌خانه شیراز / از ۱۲۴۲ تا ۱۲۵۰

پایان دوره دوم جنگ‌های ایران و روس و امضای عهدنامه ترکمان‌چای پس از

شکست‌های مکرر ایرانیان / ۵ شعبان ۱۲۴۳

تولد ناصرالدین شاه قاجار / صفر ۱۲۴۷

به پایان رسیدن ساخت مدرسه صالحیه در قزوین، توسط ملا صالح برغانی / ۱۲۴۸

فوت فتحعلیشاه قاجار / ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۵۰

جلوس محمد شاه قاجار به تخت سلطنت / ۷ رجب ۱۲۵۰

عزیمت سید علی محمد باب به بوشهر به همراه دایی خود / از ۱۲۵۰ تا ۱۲۵۵

اشتغال باب به ریاضت‌های سخت و غیر شرعی در بوشهر / از ۱۲۵۰ تا ۱۲۵۵

آغاز محاصره ۱۰ ماهه هرات توسط محمد شاه / شعبان ۱۲۵۳

آشنایی ام‌السلّمه برغانی با تعالیم شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی / ۱۲۵۳

نامه‌نگاری ام‌السلمه با سید کاظم رشتی / ۱۲۵۳
 پاسخ سید کاظم به نامه ام‌السلمه و یاد کردن از او با عنوان قره‌العين / ۱۲۵۳
 معروف شدن ام‌السلمه به قره‌العين، پس از نامه سید کاظم رشتی / ۱۲۵۳
 انتصاب بهرام میرزا معزالدوله به حکومت قزوین / از ۱۲۵۳ تا ۱۲۶۴
 سفر اول قره‌العين به کربلا و حضور در درس سید کاظم رشتی / بین ۱۲۵۴ تا ۱۲۵۹
 مشاجرات قره‌العين با شوهر و پدر شوهر بر سر عقاید شیخیه / بین ۱۲۵۴ تا ۱۲۵۹
 ورود کشتی‌های جنگی انگلیسی به خلیج فارس، پس از محاصره هرات توسط
 قشون ایران / ربیع‌الثانی ۱۲۵۴
 پایان محاصره بی‌حاصل هرات و بازگشت لشکر ایران به تهران / جمادی‌الاول ۱۲۵۴
 عزیمت سید علی محمد باب از بوشهر به کربلا و حضور در مجلس درس سید کاظم
 رشتی / از ۱۲۵۵ تا ۱۲۵۶
 بازگشت سید علی محمد باب به شیراز / اواخر ۱۲۵۶
 لشکرکشی نجیب پاشا والی بغداد به کربلا و قتل عام شیعیان / ۱۱ ذی‌حجه ۱۲۵۸
 مرگ سید کاظم رشتی / ۱۱ ذی حجه ۱۲۵۹
 ادعای نیابت و بابیت امام زمان توسط سید علی محمد باب / ۵ جمادی‌الاول ۱۲۶۰
 ایمان آوردن ملا حسین بشرویه‌ای به باب / ۱۲۶۰
 ایمان آوردن قره‌العين به سید علی محمد باب / ۱۲۶۰
 عزیمت باب به مکه به همراه ملا محمدعلی بارفروشی / ذی‌قعدة ۱۲۶۰
 مشاجرات قره‌العين با پدر، شوهر و پدرشوهر بر سر باب / ۱۲۶۰
 سفر دوم قره‌العين به کربلا / از ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۳
 سکونت قره‌العين در منزل سید کاظم رشتی و برپایی مجلس درس در آن جا / ۱۲۶۰
 نامه‌نگاری قره‌العين با علما و تبلیغ باب / بین ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۱
 ایمان آوردن تعدادی از زنان و مردان شیخی به باب در اثر اقدامات و تبلیغات
 قره‌العين / بین ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۱
 تشکیل مجلس درس، تبلیغ باب، ادعای رجعت فاطمی، شکستن حرمت ماه محرم و
 ردیه‌نویسی علیه منکرین باب از سوی قره‌العين در کربلا / بین ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۱
 شکایت علمای برجسته اصولی و شیخی کربلا از اقدامات قره‌العين به حاکم این
 شهر / بین ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۱

اعتراض شدید مردم کربلا به اقدامات قره‌العین و سنگباران کردن منزل سید کاظم رشتی محل سکونت قره‌العین توسط مردم خشمگین / بین ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۱

بازگشت باب از سفر حج و اقامت در یوشهر / جمادی‌الثانی ۱۲۶۱

مناظره باب با علمای شیراز و عجز او از پاسخ‌گویی به سؤالات آنان / رمضان ۱۲۶۱

تنبیه و حبس باب در شیراز پس از تکذیب ادعاهای باطلش / رمضان ۱۲۶۱

آوردن باب به اصفهان توسط معتمدالدوله حاکم این شهر / رمضان ۱۲۶۲

مباحثه باب با علمای اصفهان و ناتوانی او در پاسخ‌گویی / ذی‌قعدة ۱۲۶۲

عزیمت قره‌العین به بغداد و اقامت در منزل شیخ محمد شبل، از بابیان عراق / ۱۲۶۲

تبلیغ علنی، برقراری مجلس پرسش و پاسخ و فراخواندن علما به مناظره و مباحله در خصوص باب از سوی قره‌العین در بغداد / ۱۲۶۲

اعتراض گسترده مردم به اقدامات قره‌العین و ایجاد بلوا و تشنج در بغداد / ۱۲۶۲

شکایت علمای بغداد از اقدامات قره‌العین به نجیب پاشا والی عراق / ۱۲۶۲

اقامت قره‌العین در منزل مفتی بغداد به دستور نجیب پاشا / ۱۲۶۲

ترک پرده‌نشینی، گفتگوی رو در رو با مردان و سر دادن زمزمه‌هایی مبنی بر تجدید شریعت و نسخ احکام اسلام توسط قره‌العین / ۱۲۶۲

اعتراض تعدادی از بابیان در خصوص اقدامات ضد اسلامی قره‌العین و دادن عریضه شکایت‌آمیز به باب / ۱۲۶۲

تأیید اقدامات قره‌العین از سوی باب و دادن لقب طاهره به وی / ۱۲۶۲

بازگشت تعدادی از بابیان به دامان اسلام، پس از تأیید قره‌العین توسط باب / ۱۲۶۲

زندانی شدن باب در قلعه ماکو / شعبان ۱۲۶۳ تا جمادی‌الاول ۱۲۶۴

بازگشت قره‌العین به ایران به دستور سلطان عثمانی / جمادی‌الثانی ۱۲۶۳

ورود قره‌العین به کرمانشاه و تبلیغ باب / ۱۲۶۳

شکایت علمای کرمانشاه به آقا عبدالله مجتهد، در خصوص قره‌العین / ۱۲۶۳

نامه آقا عبدالله مجتهد به برادران برغانی در خصوص اقدامات قره‌العین / ۱۲۶۳

ورود قره‌العین به همدان پس از چهل روز اقامت در کرمانشاه و تبلیغ باب / ۱۲۶۳

مخالفت علمای همدان با اقدامات قره‌العین / ۱۲۶۳

تصمیم قره‌العین برای رفتن به تهران و دعوت محمد شاه به باب / ۱۲۶۳

ورود برادران قره‌العین به همدان برای بازگرداندن قره‌العین به قزوین / ۱۲۶۳

- انصراف قره‌الین از رفتن به تهران و حرکت به سمت قزوین / ۱۲۶۳
- ورود قره‌الین به قزوین و آغاز تبلیغ باب از سوی او / اواخر رجب ۱۲۶۳
- پیغام آقا محمد برغانی به قره‌الین مبنی بر بازگشت به خانه / ۱۲۶۳
- امتناع قره‌الین از ورود به خانه شوهر و تقاضای طلاق از آقا محمد / ۱۲۶۳
- جنب و جوش بابیان در قزوین / ۱۲۶۳
- طرح مجدد تجدید شریعت و نسخ احکام اسلام توسط قره‌الین / ۱۲۶۳
- شکایت عده‌ای از بابیان به باب، در خصوص اقدامات قره‌الین / ۱۲۶۳
- تأیید مجدد قره‌الین از سوی باب / ۱۲۶۳
- مخالفت شدید ملا محمدتقی برغانی با بابیان در منبر و مجالس درس / ۱۲۶۳
- مجادلات شدید قره‌الین با پدر و عموی خود بر سر باب / ۱۲۶۳
- مشاجرات لفظی بابیان و مسلمانان در قزوین / ۱۲۶۳
- مکاتبات مکرر قره‌الین با باب و گرفتن دستورات لازم از وی / ۱۲۶۳
- به چوب بستن ملا جلیل ارومیه‌ای در قزوین به دستور ملا محمدتقی برغانی / ۱۲۶۳
- اقدامات آقا هادی فرهادی و برادرانش برای نجات دادن ملا جلیل ارومیه‌ای از دست مریدان خشمگین ملا محمدتقی برغانی / ۱۲۶۳
- به چوب بسته شدن ملا عبدالحسین رودباری، از پیروان باب در قزوین به دستور ملا محمدتقی برغانی / ۱۲۶۳
- افزایش کینه بابیان از ملا محمدتقی برغانی / ۱۲۶۳
- آشکار شدن علائم انقلاب و ناآرامی در قزوین / ۱۲۶۳
- نقشه محرمات بابیان برای به قتل رساندن ملا محمدتقی برغانی / ۱۲۶۳
- دستور قره‌الین به عده‌ای از بابیان برای خروج از قزوین / ۱۲۶۳
- ضربت خوردن ملا محمدتقی برغانی توسط بابیان به تحریک قره‌الین در محراب عبادت / ۱۵ ذی‌قعدة ۱۲۶۳
- مورد تعقیب قرار گرفتن و دستگیری گسترده بابیان در قزوین / ۱۲۶۳
- فرار آقا هادی فرهادی با لباس مبدل به تهران / ۱۲۶۳
- هجوم مردم قزوین به خانه حاج اسدالله فرهادی / ۱۲۶۳
- به شهادت رسیدن ملا محمدتقی برغانی / ۱۷ ذی‌قعدة ۱۲۶۳
- اعزام مظنونین اصلی قتل ملا محمدتقی برغانی به تهران / ۱۲۶۴

فرار شیخ صالح شیرازی - عامل اصلی قتل شهید ثالث - در تهران / ۱۲۶۴
به قصاص رسیدن شیخ صالح عرب، از عاملین قتل شهید ثالث در تهران / ۱۲۶۴
کشته شدن ملا ابراهیم محلاتی و ملا طاهر شیرازی، از عاملین اصلی قتل شهید
ثالث در قزوین / ۱۲۶۴
تلاش آقا محمد برغانی برای به قتل رساندن قره العین / ۱۲۶۴
دستور باب برای تجمع بابیان در خراسان / ۱۲۶۴
فرار قره العین به تهران با کمک آقا هادی فرهادی / بین محرم تا ربیع الاول ۱۲۶۴
مخفی شدن قره العین در منزل میرزا حسینعلی نوری در تهران / ۱۲۶۴
حرکت قره العین و عده‌ای از بابیان به سمت خراسان / ۱۲۶۴
ادعای قائمیت باب / صفر ۱۲۶۴
تجمع بابیان در بدشت / اواخر ربیع الثانی ۱۲۶۴
سخنرانی قره العین برای بابیان بدون حجاب و اعلان نسخ احکام اسلام / ۱۲۶۴
اعتراض عده‌ای از بابیان به باب، در خصوص اقدامات ضداسلامی قره العین / ۱۲۶۴
پاسخ باب به نامه اعتراض بابیان و تأیید اقدامات قره العین / ۱۲۶۴
بازگشت عده‌ای از بابیان به اسلام در پی تأیید قره العین توسط باب / ۱۲۶۴
مجادلات ظاهری قره العین و ملا محمدعلی بارفروشی در خصوص کشف حجاب
قره العین، تجدید شریعت و نسخ احکام اسلام / ۱۲۶۴
تأیید اقدامات قره العین توسط ملا محمدعلی بارفروشی / ۱۲۶۴
اعلان استقلال مذهبی بابیان و پایه‌ریزی شریعت تازه‌ای مستقل از اسلام / ۱۲۶۴
ارتکاب اعمال غیراخلاقی توسط بابیان در بدشت / ۱۲۶۴
خروج بابیان از بدشت / اواخر جمادی الاول ۱۲۶۴
نشستن قره العین و ملا محمدعلی بارفروشی در یک کجاوه / ۱۲۶۴
توقف بابیان در وزوار و انجام اعمال غیراخلاقی توسط قره العین و ملا محمدعلی
بارفروشی، بنا بر قول مشهور / ۱۲۶۴
فرستاده شدن باب به قلعه چهریق / از جمادی الثانی ۱۲۶۴ تا شعبان ۱۲۶۶
مناظره سید علی محمد باب با علمای تبریز در حضور ناصرالدین میرزای ولیعهد /
بین جمادی الثانی تا ذی حجه ۱۲۶۴
توقف بابیان در نیالا و حمله مردم نیالا به آنان / اواسط شعبان ۱۲۶۴

- اقامت قرۃ العین در نور، بارفروش و مناطق همجوار و تبلیغ باب / ۱۲۶۴
- دیدارهای مکرر قرۃ العین با میرزا یحیی صبح ازل / ۱۲۶۴
- مرگ محمد شاه قاجار / ۶ شوال ۱۲۶۴
- درگذشت حاج ملا عبدالوهاب دارالشفایی / ۱۲۶۴
- آغاز شورش بابیان در قلعه طبرسی / شوال ۱۲۶۴
- کشته شدن ملا حسین بشرویه‌ای / ۹ ربیع‌الاول ۱۲۶۵
- شکست شورش قلعه طبرسی و تسلیم شدن دسته جمعی بابیان / رجب ۱۲۶۵
- کشته شدن ملا محمدعلی بارفروشی / سلخ جمادی‌الثانی ۱۲۶۵
- انتخاب میرزا یحیی صبح ازل به جانشینی باب / شعبان یا رمضان ۱۲۶۵
- سرودن شعر مفصلی در وصف صبح ازل توسط قرۃ العین / ۱۲۶۵
- دستگیری قرۃ العین در نور و فرستاده شدن وی به تهران / ۱۲۶۵
- زندانی شدن قرۃ العین در خانه میرزا محمود نوری، کلاتر تهران / ۱۲۶۵
- ارتباط و مکاتبه قرۃ العین با بابیان / ۱۲۶۵
- آغاز شورش بابیان در زنجان / رجب ۱۲۶۶
- گفتگوی امیرکبیر با قرۃ العین از پشت پرده درباره باب / ۱۲۶۶
- اعدام باب در تبریز / ۲۸ شعبان ۱۲۶۶
- پایان فتنه دارابی و کشته شدن او / شعبان ۱۲۶۶
- قتل ملا محمدعلی زنجان‌ی و خاتمه شورش بابیان در زنجان / ۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۷
- فاش شدن دسیسه بابیان در قتل میرزا تقی خان امیرکبیر و کشته شدن هفت نفر از آنان در تهران / شعبان ۱۲۶۷
- تبعید میرزا حسینعلی نوری به کربلا توسط امیرکبیر / شعبان ۱۲۶۷
- عزل امیرکبیر از صدر اعظمی / ۲۵ محرم ۱۲۶۸
- قتل امیرکبیر در حمام فین کاشان / ۱۸ ربیع‌الاول ۱۲۶۸
- بازگشت میرزا حسینعلی نوری به ایران، به دعوت میرزا آقا خان نوری / رجب ۱۲۶۸
- سوء قصد بابیان به ناصرالدین شاه / ۲۸ شوال ۱۲۶۸
- مناظرات ملا علی کنی و ملا محمد اندرمانی با قرۃ العین و باقی ماندن قرۃ العین بر عقاید باطل خود / ۱۲۶۸
- کشته و مدفون شدن قرۃ العین در باغ ایلخانی / اول ذی‌قعدة ۱۲۶۸

قرة العين

(زندگی، عقیده و مرگ)

اجداد و نیاکان پدری قرۃ العین

شیخ محمد کاظم طالقانی - نخستین شخصیت شناخته شده و سرسلسله خاندان برغانی است. وی در سال ۹۹۵ قمری به دنیا آمد. فلسفه را از محضر فخرالدین احمد سماکی دوم، میر داماد، میر فندرسکی و ملا صدرا فراگرفت و از ملا محمدتقی مجلسی موفق به دریافت اجازه گردید. پس از پایان تحصیلات خود به قزوین بازگشت و به تدریس و تربیت شاگردان در مدرسه نواب^۱ پرداخت. شیخ حرّ عاملی در اثر خود به نام «امل الامل» به شرح حال او پرداخته و از وی با لفظ مولانا یاد کرده است.

شیخ محمد کاظم طالقانی اولین شخص از خاندان خود بود که از طالقان به قزوین آمد و در این شهر ساکن شد. وی در سال ۱۰۹۴ درگذشت. تألیفات او عبارتند از: شرح نهج البلاغه، التکمیل فی بیان الترتیل و تفسیر قرآن، حواشی الهیات کتاب شفاء بوعلی سینا و رسائل فلسفی.

شیخ محمد جعفر معروف به فرشته - وی فرزند شیخ محمد کاظم طالقانی است. علوم عقلی را از پدرش و فقه و حدیث را از علامه محمد باقر مجلسی آموخت و در جمادی الثانی سال ۱۰۹۵ قمری، موفق به دریافت اجازه از علامه مجلسی گردید. از آثار او می توان به: حواشی بر شواهد الربوبیه و شرحی بر عرشیه اشاره کرد که تعمق وی در فلسفه صدرایی را می رساند. دیگر اثر او، کتاب «اشراط الحس فی الشهاده» است که آن را در موضوع کیفیت شهادت افراد ناشنوا و نابینا نگاشته و نشانگر تسلط او در مسائل عقلانی است. شیخ محمد جعفر فرشته در سال ۱۱۳۳ قمری درگذشت و در طالقان به خاک سپرده شد. مزار او مورد توجه اهالی است.

شیخ محمدتقی معروف به فرشته - وی فرزند شیخ محمد جعفر فرشته است. علوم عقلی را از حوزه درس پدرش و میرزا حسن، پسر عبدالرزاق لاهیجی (درگذشته به سال ۱۱۲۱ قمری) آموخت و به مقام اجتهاد رسید. سپس سال ها در قزوین و کربلا به تدریس فلسفه، فقه و اصول مشغول بود. از آثار او است: حواشی بر اسفار ملا صدرا و حواشی بر شرح تجرید قوشجی. شیخ محمدتقی فرشته در سال ۱۱۸۶ قمری درگذشت و در آستانه شاهزاده حسین (ع) در قزوین به خاک سپرده شد.

ملا محمد ملائکه - وی فرزند شیخ محمدتقی فرشته است. علوم عقلی را از پدر و برادر

۱. محل قدیمی مدرسه علمیه امام صادق (ع)، واقع در خیابان پیغمبریه قزوین.

بزرگش ملا نعیم و ملا صادق اردستانی و فاضل هندی و ملا اسماعیل خواجه‌بوی فرا گرفت و سال‌ها در کربلا و قزوین به تدریس پرداخت. یکی از مهم‌ترین حوادث زندگی او مبارزه با جریان اخباری‌گری در قزوین است. وی همواره با اخباریون قزوین که بیشتر آن‌ها از شاگردان و طرفداران ملا خلیلای قزوینی بودند مناظره می‌کرد و به ردّ عقاید آنان می‌پرداخت. همین مسئله باعث شد که اخباریون به منزل او هجوم بردند و کتابخانه‌اش را آتش زدند. ضدیت ملا محمد برغانی با اخباریون، سرانجام منجر به تبعید او به برغان گردید. وی در سال ۱۲۰۰ قمری درگذشت. مزارش در برغان مورد توجه اهالی است. آثار او عبارتند از: تحفة‌الابرار فی تفسیر القرآن در دو جلد بزرگ، الدرّ الثمین در کلام و حواشی بر کتاب اسرار الخفیة علامه حلی.

ملا محمد ملائکه اولین شخص از این خاندان بود که به برغانی مشهور شد. در سبب شهرت او به ملائکه، قول مشهور آن است که چون برغان را از قتل و غارت نجات داد اهالی او را به این لقب خواندند. ملا صالح (پدر قرۃ العین) و ملا محمدتقی و ملا علی برغانی (عموهای قرۃ العین) فرزندان اویند.^۱

تاریخ تولد و نام

طاهره قرۃ العین در سال ۱۲۳۳ قمری^۲ در قزوین، در خانواده‌ای روحانی و اهل علم و فضل به دنیا آمد. پدرش ملا صالح و عموهای او ملا تقی و ملا علی برغانی و دایی‌اش ملا عبدالوهاب دارالشفایی همگی دارای رتبهٔ اجتهاد بودند و در سراسر ایران شهرت و اعتباری فراوان داشتند.

در تعیین نام اصلی این زن - همانند بخش‌هایی از تاریخ زندگانی او - اختلاف نظر وجود دارد، به طوری که برخی اسم وی را ام‌السلّمه، بعضی فاطمه و عده‌ای زرین تاج و هند ذکر کرده‌اند.

عباس افندی^۳، شیخ کاظم سمندر^۴، آیت‌الله سید محمد بحر العلوم^۵ و سید محمد علی گلریز قزوین شناس فقید (۱۲۶۹ - ۱۳۴۶ خورشیدی)^۶ نام رسمی وی را

۱. دانشنامهٔ جهان اسلام، ج ۳، ص ۱۱۶ - پژوهش‌های فلسفی شهید ثالث، ص ۶۵.

۲. ظهور الحق، ص ۳۱۱.

۳. تذکرةالوفاء، ص ۲۹۱.

۴. تاریخ سمندر، ص ۷۲.

۵. دست‌نوشته‌های سید محمد بحر العلوم، ص ۱۹.

۶. دست‌نوشته‌های سید محمد علی گلریز. (در اختیار نگارنده)

ام‌السلّمه یا سلّمه دانسته‌اند که به نظر می‌رسد این روایت - با توجه به کثرت راویان - نسبت به سایر اقوال، صحیح‌تر باشد.

فاضل مازندرانی تاریخ‌نویس بهایی نام او را فاطمه و کنیه‌اش را ام‌السلّمه و لقبش را زرین‌تاج دانسته و می‌نویسد: «حاج ملا محمد صالح، دختر بزرگ‌تر را به نام مادر خود فاطمه مسمّی نمود ولی به پاس احترام مادر، وی را به آن نام ندا نمی‌کردند و ام‌السلّمه می‌خواندند.»^۱

سید محمدعلی گلریز، زرین‌تاج را لقب او دانسته و می‌نویسد: «نام اصلی وی ام‌السلّمه بوده و زرین‌تاج^۲ لقبی است که پس از عروسی به وی داده و بدین نام خوانده‌اند. زیرا غالباً معمول است هنگامی دختری را عروس می‌کنند، از طرف خانواده داماد لقبی برای او برگزیده و وی را بدان لقب می‌خوانند، مانند فخر اعظم، بهجت‌الملوک و فخرالزمان و غیره که اکنون نیز متداول و معمول است.»^۳

اما سید محمود آلوسی مفتی بغداد که قرّة العین بر حسب امر والی بغداد دو ماه در خانه او توقیف بوده، نام وی را هند ذکر کرده است.

نبیل زرنندی نیز می‌نویسد که حاج ملا صالح برغانی او را ذکیه لقب داده بود.

تبصره - سید محمدعلی گلریز^۴ و مطلعین خاندان شهیدی، مادر قرّة العین را خواهر ملا عبدالوهاب دارالشفایی دانسته‌اند و گمان نزدیک به یقین نیز بر صحت این عقیده دلالت دارد. اما در کنار این نظریه، نوشته آیت‌الله سید محمد بحرالعلوم (نوه دختری ملا صالح و خواهرزاده قرّة العین) را نقل کرده و قضاوت را بر عهده خوانندگان گرامی می‌گذاریم. وی می‌نویسد: «قرّة العین که از تمامی اولاد پدرش بزرگ‌تر بوده، با دو دختر دیگر، نرجس و فاطمه نام، از یک مادر می‌باشند که از اهل آنگه طهران بوده.»^۵

۱. ظهورالحق، صص ۳۱۰ و ۳۱۱.

۲. محتمل است که این لقب را به خاطر رنگ موهایش به وی داده باشند.

۳. دست‌نوشته‌های سید محمدعلی گلریز. (در اختیار نگارنده)

۴. مینودر، ج ۲ (شرح حال و آثار رجال و دانشمندان قزوین)، ص ۴۸۶.

۵. دست‌نوشته‌های آیت‌الله سید محمد بحرالعلوم، ص ۱۹.

تحصیلات

ملا صالح برغانی پدر قرۃ العین^۱ در کنار منزل خود، مدرسه بزرگ سه طبقه‌ای به نام صالحیه^۲ بنا نموده و قسمتی از آن را به تحصیل افراد خانواده و بستگان خود اختصاص داده بود. ام‌السلمه از کودکی به همراه برادران، خواهران و عموزادگانش در این مدرسه مشغول تحصیل شد و پس از گذراندن مراحل مقدماتی، با ذوق و اشتیاق فراوانی به فراگیری علوم اسلامی از قبیل: فقه، اصول، تفسیر، کلام و ادبیات فارسی و عربی پرداخت و چون حافظه‌ای قوی داشت و در خاندانی روحانی و اهل تحقیق پرورش یافته بود، در آموختن این دروس پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد.

مدرسه صالحیه یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کانون‌های علمی ایران در قرن سیزدهم هجری بود و جمعی از متبحرترین و تواناترین اساتید علوم عقلی و نقلی در آن تدریس می‌کردند. از ویژگی‌های این مدرسه این بود که همواره میان برادران برغانی و مدرّسین آن، بحث و تبادل نظر علمی برقرار بود و بیشتر مواقع، دنباله این مباحثات به محافل خانوادگی نیز کشیده می‌شد. ام‌السلمه که از کودکی علاقه زیادی به گفتگوهای علمی داشت، با کنجکاوی این گونه مباحث را دنبال می‌کرد و به همین خاطر از همان دوران، با اصطلاحات دینی و آیات و احادیث آشنا شد و در فن جدل تبحر خاصی یافت. علاقه وی به مجادلات علمی به اندازه‌ای رسید که بیشتر اوقات، از پشت پرده در مجالس درس پدر و عموهای خود حضور می‌یافت و برگفته‌های آنان اشکال می‌گرفت و یا برخی از عقاید آن‌ها را رد می‌کرد.^۳

کنت دو گوینو می‌نویسد: «همه روزه در مباحثات علمی علمای متبحر خانواده خود حضور پیدا می‌کرد و تمایل و توجهی به این نوع مسائل داشت و طولی نکشید که به واسطه استعداد کامل و هوش سرشار توانست در مسائل دقیق و مباحثات مهم پدر و عمو و پسر عمو که شوهرش بود وارد گردد و با آن‌ها به استدلال و مباحثه بپردازد و از حدّ ذهن و نیروی هوش خود، آن‌ها را متعجیر سازد.»^۴

هوش، استعداد و علاقه ام‌السلمه به مسائل دینی موجب شگفتی و تحسین خانواده و بستگان او شد و نامش زبانزد طلاب و مدرّسین مدرسه صالحیه گردید. به همین خاطر

۱. به توضیح ۱ رجوع نمایید.

۲. به توضیح ۲ رجوع نمایید.

۳. مذاهب ملل متمدنه (تاریخ نیکلا)، ص ۲۸۹. ۴. مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی، ص ۱۴۰.

پدرش علاقه مخصوصی به وی داشت و او را قره‌العين^۱ خطاب می‌کرد و در حق او با افسوس می‌گفت: «اگر این دختر پسر بود، خاندان مرا روشن می‌نمود و جانشین من می‌گشت»^۲

ملا عبدالوهاب برغانی برادر قره‌العين نیز درباره تسلط او به فن بحث و جدل گفته است: «ما تمام، یعنی برادرها و پسر عموها در حضور قره‌العين جرأت تکلم نداشتیم. به اندازه‌ای معلومات او ما را مرعوب ساخته بود که اگر احیاناً در مسائل متنازع فيه بحث می‌کردیم، چنان آن مسئله را پاک و روشن و معلوم و مربوط برای ما مدلل می‌کرد که فوراً تمام، سرافکنده و خجالت‌زده بیرون می‌رفتیم»^۳

اطلاعات وسیع ام‌السلمه در مسائل دینی موجب محبوبیت او در بین بستگان و همسایگان شد و برخی از زنان، مسائل فقهی و دینی مورد احتیاج خود را از او می‌پرسیدند. شیخ کاظم سمندر در این باره می‌نویسد: «جميع اعزّه از زن‌های این شهر، چه شاهزاده‌ایان و غیر اعیان و زن‌های کسبه و تجار، جميعاً اردات داشتند و [او را] دختر آقا خطاب می‌نمودند و خانم می‌خواندند»^۴

ازدواج

به زودی ام‌السلمه به عنوان دوشیزه‌ای فاضله و صاحب جمال در قزوین شهرت یافت و آوازه او به گوش محمد میرزا قاجار ولیعهد ایران که از قزوین عبور می‌کرد نیز رسید. محمد میرزا که از سفر جهاد، با خاندان برغانی و به ویژه ملا صالح آشنایی داشت و وظیفه انداختن و جمع کردن سجادۀ او را در این سفر عهده‌دار بود، مایل به ازدواج با ام‌السلمه گردید، اما پس از مدتی این مسئله به دست فراموشی سپرده شد. با منتفی شدن موضوع، ملا محمدتقی که برادرزاده‌اش را صاحب کمال و جمال می‌دید، او را برای پسر بزرگ خود خواستگاری کرد و بدین ترتیب، فاطمه در اوایل نوجوانی و در سنین پایین^۵ به عقد پسر عمویش درآمد. ام‌السلمه که به خاطر غرور و جاهت و فضل

۱. نور چشم.

۲. تذکره‌الوفاء، صص ۲۹۱ و ۲۹۲.

۳. مذاهب ملل متمدنه (تاریخ نیکلا)، ص ۲۸۹. (این مطلب را نیکلا به طور شفاهی از میرزا حسن ادیب‌العلماء که از قدمای بهانیه و از شاگردان عبدالوهاب برغانی بوده، شنیده است. میرزا حسن ادیب‌العلماء بعدها این مطلب را با اندکی تغییرات در رساله «شرح احوال طاهره» نوشته که در کتاب «چهار رساله تاریخی درباره قره‌العين» به چاپ رسیده است. ۴. تاریخ سمندر، ص ۷۳.

۵. مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی، ص ۱۳۹. (گوینو در این خصوص نوشته است: وی را در صغر سن

خود، در انتظار وصلتی شاهانه بود، طبق رسوم و قیود جامعه قدیم ایرانی - که برای دختر حق انتخابی قائل نبود - به اجبار تن به این ازدواج داد و با این که صاحب چند فرزند شد، علاقه‌ای نسبت به شوهر خود نداشت و اعتنایی به او نمی‌کرد. آیت‌الله سید محمد بحر العلوم در این خصوص می‌نویسد: «در اوائل عهد محمد شاه به خانه پسر عم خود ملا محمد امام جمعه رفت و با وجود آن همه تشخصات و ریاست مطلقه، از کثرت نخوت و غرور اعتنایی به او نکرده، حتی از باب توهین، پُز ریشش خطاب می‌نمود.»^۱

به نظر می‌رسد طغیان و سرکشی قرۃ العین در گسستن آداب و رسوم معمول جامعه و همراهی‌های او با مردان در سال‌های بعد، ریشه در عقده‌های فروخورده وی از این ازدواج تحمیلی داشته است. حجت بلاغی در این باره می‌نویسد: «محمد شاه هنگام عبور از قزوین، از وجود دوشیزه‌ای بسیار زیبا و دارای معلومات لازمه و اصالت خانوادگی مطلع می‌شود و اظهار تمایل به وصلت می‌کند و چون در راه سفر آذربایجان بوده، قضیه را به بعد موکول می‌نماید. شما فکر کنید دختری که از خبر وصلت با ولیعهد ایران و با شاهزاده‌ای آگاه شود، شبانه روز صغری و کبری در ذهن خود تشکیل بدهد و نتیجه بگیرد و هر دم سُمَاق بمکد، ولیکن هر چه چشم به راه باشد خبری نشود، چه حالی دارد؟! نامه‌ها به قزوین آمد، چاپارها از قزوین گذشتند، کلاغ‌های خوش خبر بر درختان شهر قزوین نشستند و بانگ زدند، فال‌ها زده شد، خواب‌ها دیده شد، تعبیرها به عمل آمد، ولیکن محمد میرزا را خواب بُرد و قصه وصلت را آب. قرۃ العین به جای نیمتاج سلطنت به زیر توری‌نمای سفید، یعنی پارچه موسوم به آب حیات قرار گرفت. به جای جلوس بر تخت زرنگارِ مرصع، روی گلیم نشست، به جای شوهر شاهزاده ولیعهد ایران، آقا محمد بن حاج ملا تقی یعنی پسر عموی قرۃ العین خواستگار او شد و به جای کاخ پادشاهی، کلبه گلین که بارها دیده بود ادامه یافت. خلاصه سخن آن که با همان عموزاده ازدواج او صورت گرفت. همان عموزاده‌ای که بارها، شب‌ها و روزها او را در قزوین دیده بود و در نظر قرۃ العین ارجی نداشت. فرض کردیم ارجی و اجری داشت ولیکن قرۃ العین منتظر آن زناشویی شاهانه بود و چون ناامید شد، تصمیم گرفت به هر قیمتی هست، پنجه در پنجه پولادین قاجاریه بیندازد، گر چه به قیمت از دست رفتن و

مجبور کردند به ملا محمد پسر عموی خود که عالم مشهوری بود شوهر نماید.)

۱. دست‌نوشته‌های آیت‌الله سید محمد بحر العلوم، ص ۱۹.

کشته شدن حاج ملا تقی برغانی مجتهد، عموی خود باشد، آن هم در محراب مسجد قزوین. گر چه به بهای از دست دادن دین باشد. لذا دنباله دعوت باب را گرفت و ایستادگی کرد و باطل را بر حق ترجیح داد، تا آن جا که خود و خاندانی را رسوا ساخت و جان خویشان را در این راه از دست داد.^۱

گرایش به شیخیه

چنان که می دانیم ملا محمدتقی برغانی^۲ اولین کسی بود که با شیخ احمد احسائی به مخالفت برخاست و عقاید او در باب معاد را مخالف کلام خدا دانست و او را کافر خواند. تکفیر شیخ احمد احسائی نقطه عطفی در تاریخ تشیع بود و باعث ایجاد فرقه مستقلی به نام شیخیه در مذهب امامیه گردید. از این زمان به بعد، میان علمای شیخیه و مجتهدین اصولیه در هر گوشه و کنار ایران و عراق، اختلافات و مشاجرات شدیدی روی داد و طرفین برای اثبات حقانیت خود به حربه های گوناگونی متوسل می گردیدند.

در قزوین نیز که کانون اولیه انشقاق شیخی و اصولی بود، دو دستگی میان پیروان این دو گروه، بیش از هر کجای ایران به وقوع پیوست و حتی به محافل خانوادگی خاندان برغانی نیز کشیده شد، به طوری که در بحبوحه این اختلاف، ملا علی برغانی^۳، شیخ جعفر برغانی (فرزند ملا محمدتقی برغانی) و حاج ملا عبدالوهاب دارالشفاپی به اتفاق پسران و بستگانش جانب شیخ احمد احسائی^۴ را گرفتند و به عقیده شیخیه درآمدند.

آقا محمد برغانی و دیگر برادرانش نیز از نظر پدر تبعیت کردند و همچون او، از دشمنان سرسخت شیخیه شدند. اما ملا صالح هر چند که در امر دین متعصب بود، بر خلاف برادران خود که یکی هوادار و دیگری دشمن شیخیه بود، در این مجادلات رویه بی طرفی را در پیش گرفت.

بدین ترتیب، مباحثات و مشاجرات خانوادگی برغانیان که ابتدا درباره مسائل فقهی، کلامی و فلسفی بود، به مسائل عقیدتی مبدل گردید. این بحث و جدل ها، کنجکاوی ام السلمه را که اساس تحصیلاتش بر مبنای تعالیم اصولی بود به خود جلب کرد و به جستجو و تحقیق پیرامون عقاید شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی^۵ پرداخت. او

۲. به توضیح ۳ رجوع نمایید.

۴. به توضیح ۵ رجوع نمایید.

۱. تاریخ تهران، ص (م) ۱۵۱.

۳. به توضیح ۴ رجوع نمایید.

۵. به توضیح ۶ رجوع نمایید.

برای اولین بار در سال ۱۲۵۳ قمری^۱، در بیست سالگی توسط ملا جواد ولیانی پسر خاله خود که از شاگردان سید کاظم بود، با آثار و تألیفات شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی آشنا شد. عباس افندی در این باره می‌نویسد: «روزی طاهره در خانه ملا جواد مهمان بود. در کتابخانه او جزوه‌ای از تألیفات شیخ احمد احسائی یافت و بیانات آن را پسندید و آن را با خود به خانه برد.»^۲

ام‌السلمه بعد از مطالعه این نوشته‌ها، به مسلک شیخیه علاقه‌مند شد و پس از معاشرت و بحث با عمویش ملا علی برغانی و دایی‌اش ملا عبدالوهاب دارالشفایی و پسرانش، به طور کامل به عقیده شیخیه گروید.^۳

ام‌السلمه پس از گرایش به مسلک شیخیه، همانند عمو^۴ و دایی‌اش به نامه‌نگاری با سید کاظم رشتی پرداخت و سؤالات خود پیرامون تعالیم و عقاید شیخ احمد احسائی را با او در میان گذارد و از سوی سید ملقب به قرۃ العین گردید. فاضل مازندرانی و نبیل زرنندی درباره چگونگی اطلاق این لقب نوشته‌اند پس از این که سید کاظم از علمای شیخیه خواست رسائلی در اثبات عظمت و عصمت شیخ احمد احسائی و رد منکرین عقاید وی بنویسند، ام‌السلمه نیز از شدت علاقه به سید کاظم، رساله‌ای در این خصوص نوشت. چون این رساله به نظر سید رسید، آن را پسندید و از احاطه علمی و قدرت قلم و قوت بیانش خرسند شد و نامه‌ای برای او فرستاد و در ابتدای آن چنین نوشت: «یا قرۃ العین و روح الفؤاد»^۵

اما ملا جعفر قزوینی از قدمای بابیه در خصوص چگونگی اعطای لقب قرۃ العین از سوی سید کاظم به ام‌السلمه نوشته است که: «من خوابی در قزوین دیدم و تعبیر آن را در کربلا از سید کاظم خواستم. وقتی به قزوین بازگشتم داستان خواب و تعبیر آن بین زنان و مردان انتشار یافت. از جمله، به گوش بنت حاجی ملا صالح رسید و گفت می‌خواهم خواب و جواب را بی‌واسطه بشنوم. آمد شنید و رفت. عریضه خدمت جناب سید نوشت. جواب آمد یا قرۃ العین، این بود بین خلق شهرت یافت.»^۶

۱. ظهورالحق، ص ۳۱۲. ۲. تذکره‌الوفاء، ص ۲۹۲.

۳. ظهورالحق، ص ۳۱۲.

۴. نامه ملا علی برغانی به سید کاظم رشتی در کتاب «فهرست کتب مشایخ عظام، ج ۲، صص ۲۹۸ و ۲۹۹» به چاپ رسیده است.

۵. (ای نور چشم و آرامش دل)، ظهورالحق، ص ۳۱۲ - مطالع الانوار (تلخیص تاریخ نبیل زرنندی)، ص ۶۷.

۶. تاریخ سمندر، ص ۴۶۱.

از این تاریخ به بعد بود که ام‌السلّمه به قره‌العین مشهور و نام‌های قبلی‌اش به فراموشی سپرده شد.

سفر اول قره‌العین به کربلا

برخی از مورخین بابی، بهایی و مسلمان معتقدند که قره‌العین تنها یک بار و آن هم از سال ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۳ قمری به کربلا رفته است. اما بر مبنای برخی قرائن و شواهد، چنین به نظر می‌رسد که او دو بار به کربلا مسافرت کرده، که اولین بار آن در سال‌های پایانی عمر سید کاظم رشتی بوده است.

مدتی پس از مکاتبه قره‌العین با سید کاظم، شوق دیدار و درک محضر سید، تمام ذهن و وجود وی را اشغال کرد و همین امر سبب گردید که از مسیر زندگی مقدس زناشویی و انجام وظایف مادری دور افتد. اقوامش که چنین دیدند، صلاح دانستند که وی سفری به کربلا کند، شاید این مسافرت و سیر و سیاحت، خاطر او را از این دلبستگی جنون‌آمیز منصرف نماید. پیرو این تصمیم، قره‌العین همراه شوهر خود^۱ که او نیز برای ادامه تحصیل قصد سفر به عتبات را داشت، راهی کربلا شد و به توصیه عمویش ملا علی برغانی که از شاگردان برجسته شیخ احمد احسائی بود، در مجالس وعظ و درس سید کاظم حضور یافت.^۲ شیخ کاظم سمندر تاریخ‌نویس بهایی در این خصوص می‌نویسد: «عمش حاجی ملا علی مرحوم به وی می‌گوید در کربلا خوب است تحصیل و تکمیل خود را در محضر جناب حاجی سید کاظم رشتی قرار بدهید که ممتاز است در میان علما.»^۳

قره‌العین پس از مدتی که زمان آن بر ما نامعلوم است، به قزوین بازگشت. این مسافرت به احتمال فراوان، بین سال‌های ۱۲۵۴ تا ۱۲۵۹ قمری اتفاق افتاده است.

آغاز مشاجرات خانوادگی

پس از بازگشت از کربلا، مطالعه و بررسی آثار شیخ احمد و سید کاظم حواس قره‌العین را به طور جدی به خود معطوف داشت و هر چه بیشتر در این آثار غورو

۱. اظهارات مطلعین خاندان صالحی شهیدی قزوین.

۲. صدمین سال قره‌العین، ص ۲ و ۳ - تاریخ سمندر، ص ۳۴۴ - ظهورالحق، پاورقی ص ۳۱۲ - مذاهب ملل

متمدنه (تاریخ نیکلا)، ص ۲۸۹. ۳. تاریخ سمندر، ص ۳۴۴.

بررسی می‌کرد، از عقاید اصولیون بیشتر متنفر می‌شد، به طوری که پیوسته با شوهر و عموی بزرگش به مباحثه می‌پرداخت و در هواداری از عقاید شیخیه، مجالس مناظره خانوادگی برپا می‌کرد. وی با توجه به این که یک شخصیت جدلی بود و ذهن توانمندی در توجیه، سفسطه و مغلطه داشت، بستگان خود را در این بحث و جدل‌ها مغلوب می‌کرد و ملا محمدتقی و آقا محمد در مقام مقابله، به توهین و دشنام شیخ و سید می‌پرداختند. بدین ترتیب، رشته تعلق خاطر قرۃ العین با شوهرش که از اول نیز چندان مستحکم نبود، با ایجاد اختلاف عقیدتی، سست‌تر و ناپایدارتر از قبل گردید و بیشتر اوقات آن‌ها به بحث، مشاجره و مجادله سپری می‌شد.^۱

ایمان آوردن به باب

تمامی مورخین بابی، بهایی و مسلمان به اشتباه، ایمان آوردن قرۃ العین به باب^۲ را مربوط به سفر دوم او به کربلا دانسته‌اند، در حالی که طبق استناد به نوشته خود او و روایت‌های آیت‌الله حاج میرزا ابوتراب شهیدی و آیت‌الله سید محمد بحر العلوم، وی در هنگام ایمان آوردن به باب در قزوین بوده و ابتدا به صورت غیابی و بعد با خواندن تفسیر سورة احسن القصص و پس از آن، از طریق گفتگو با ملا علی بسطامی به باب گرویده است.

درباره نحوه ایمان آوردن غیابی قرۃ العین، میان مورخین بابی و بهایی اختلاف نظر وجود دارد. میرزا جانی کاشانی و شیخ کاظم سمندر، ملا حسین بشرویه‌ای را باعث قرار گرفتن نام وی در شمار حروف حی^۳ دانسته‌اند و فاضل مازندرانی و نبیل زرنندی بر این اعتقادند که میرزا محمدعلی قزوینی (پسر ملا عبدالوهاب دارالشفایی و پسرایی قرۃ العین) سبب شد باب نام وی را در زمره حروف حی ثبت نماید. البته این احتمال نیز وجود دارد که قرۃ العین عریضه خود را توسط هر دو نفر برای باب فرستاده باشد. اینک هر دو روایت را برای روشن‌تر شدن موضوع، نقل می‌نمائیم:

۱. پس از درگذشت سید کاظم رشتی، شاگردان وی برای یافتن شمس حقیقت که سید وعده ظهور آن را مکرر در مجالس درس و وعظ خود داده بود، در ایران و عتبات به

۱. تحلیل‌های نگارنده بر مبنای قرائن و شواهد. ۲. به توضیح ۷ رجوع نمایید.

۳. باب ۱۸ نفر اولیه‌ای را که به وی ایمان آوردند، بر مبنای حساب ابجد، حروف حی نامیده است. (به توضیح ۸ رجوع نمایید.)

تکاپو افتادند و هر یک، دیگری را سوگند می‌داد که اگر چنین شخصی را یافت، وی را بی‌خبر نگذارد. در سال ۱۲۶۰ قمری که ملا حسین بشرویه‌ای^۱ برای چنین منظوری به ایران آمده بود، در قزوین به دیدار قره‌العین شتافت^۲ و قره‌العین نامه‌ای را که خطاب به موعود شیخیان نوشته بود به او سپرد و درخواست کرد چنانچه این شخص را یافت عریضه‌اش را به وی تسلیم دارد. ملا حسین این خواهش را پذیرفت و پس از ورود به شیراز و ایمان آوردن به باب، مکتوب قره‌العین را به وی عرضه داشت و باب هم پس از خواندن آن، نام او را در شمار حروف حی ثبت کرد. میرزا جانی کاشانی در این باره می‌نویسد: «هنگامی که جناب آخوند ملا حسین در تفحص آن شمس حقیقت بودند ایشان عریضه‌ای نوشته بود و ایمان غیبی آورده بود. من بعد از آن که حضرت ظاهر شدند، عریضه ایشان را خدمت حضرت دادند و از جمله حروف حی گردید و بعد از آن که نوشته‌جات حضرت را زیارت نمود، ایمان شهودی نیز آورد.»^۳

شیخ کاظم سمندر می‌نویسد: «بعد از آن که ملا حسین بشرویه‌ای که رئیس و سرآمد شاگردان سید کاظم رشتی بود، بعد از شناختن باب به قره‌العین اخبار می‌دهد و آثار می‌فرستد، قره‌العین قبول و ادعان می‌نماید و در اعداد حروف حی از قلم اعلی ثبت و محسوب می‌شود.»^۴

۲. نبیل زرنندی می‌نویسد: «چون قره‌العین دانست شوهر خواهرش میرزا محمدعلی قزوینی عازم سفر [به شیراز] است، مکتوبی سر به مهر به او داد و از او درخواست کرد چون موعود را بیابد، آن مکتوب را تقدیم کند و این بیت را از طرف او به حضورش عرض نماید:

لمعات وجهک اشرفت و شعاع طلعتک اعتلی

ز چه رو الست بریکم نرنی، بزنی که بلی بلی^۵

وقتی که میرزا محمدعلی به حضور باب رسید، مکتوب و پیام قره‌العین را تقدیم کرد و باب او را جزو حروف حی محسوب داشت.»^۶

فاضل مازندرانی نیز می‌نویسد: «عریضه‌ای توسط شوهر خواهرش آقا میرزا

۱. به توضیح ۹ رجوع نمایید.

۲. ظهورالحق. (آشنایی آن‌ها مربوط به سفر اول قره‌العین به کر بلا بوده است.)

۳. نقطه‌الکاف، ص ۱۴۰.

۴. تاریخ سمندر، ص ۳۴۶.

۵. شعر از صحبت لاری است.

۶. مطالع‌الانوار (تلخیص تاریخ نبیل زرنندی)، ص ۶۷.

محمدعلی تقدیم نمود و در عداد حروف حی قبول گردید.^۱

بدین ترتیب، قرۃ العین تنها کسی بود که بدون دیدن باب به او ایمان آورد و البته هیچ گاه نیز موفق به دیدن وی نگردید.

میرزا محمدعلی پس از بازگشت به قزوین، برخی از آثار و نوشته‌های باب و از جمله تفسیر سورة احسن القصص را به قرۃ العین سپرد و به او یشارت داد که نامش جزو حروف حی ثبت شده است. چند روز بعد، ملا علی بسطامی که از سوی باب به منظور تبلیغ به قزوین آمده بود، با قرۃ العین ملاقات کرد و او پس از این دیدار، به طور کامل به باب ایمان آورد. آیت الله حاج میرزا ابوتراب شهیدی در این خصوص می‌نویسد: «چون ملا علی نامی از طرف علی محمد آمد قزوین، در خانه‌ای منزل کرد که زن آن خانه، خیاط خانه‌های ما بود. روزی خانمش [او] را وعده گرفته بود و ملا علی شنیده بود که فاصله است. چون همیشه در عقب در حاضر می‌شده در درس پدرش و بسیار با جربزه^۲ و کمال بوده و در وجاهت درجه اول بوده ان ملا اعلی^۳. در آن روز مهمانی، به وسائلی طرح صحبت مذهبی نمود با او و مجلس مذاکره آن‌ها متعدد شد و در اثر این مذاکره تصدیق علی محمد را نمود.»^۴

اکنون به نقل نوشته قرۃ العین می‌پردازیم که ثابت می‌کند که وی در هنگام ایمان آوردن به باب در قزوین بوده و ابتدا به صورت غیابی و بعد با مطالعه آثار باب (تفسیر و صحیفه)، به وی ایمان آورده است. او در رساله‌ای که به سال ۱۲۶۱ قمری در رد ملا جواد ولیانی به رشته تحریر درآورده است می‌نویسد: «خودت مطلع می‌باشی که در اول ظهور امر این بزرگوار، بنده در قزوین بودم. به محض آن که این امر را استماع نمودم، قبل از آن که تفسیر مبارک و صحیفه مکنونه را زیارت نمایم تصدیق نمودم، زیرا که به نظر خالی از اغیار به حول و قوه پروردگار نگریستم که این امر عظیم البته مظهر و محلی می‌خواهد. بعد از آن که پروردگار، رکن رابع و مظهر جامع و قرینه ظاهره را به خلق فهمانیده و ایشان را به ساحت قرب خود کشیده و از سماء علو و رفعت، رزق ایشان را بارانیده، پس به دلیل حکمت بر او جل شأنه واجب است که ایشان را به خود وانگذارد بلکه نعمت را اعظم و فضل را اعم و احسان را اتم لازم است که اظهار فرماید. زیرا که

۲. در اصل: جروزه.

۴. دست‌نوشته آیت الله حاج میرزا ابوتراب شهیدی.

۱. ظهور الحق، ص ۳۱۴.

۳. مانند فرشتگان عالم بالا.

عادت او چنین جاری گردیده و یوماً فیوماً کور در ترقی است.^۱
 نوشته آیت الله سید محمد بحر العلوم (خواهرزاده قرۃ العین) نیز به روشنی اثبات می کند قرۃ العین در هنگام ایمان آوردن به باب در قزوین اقامت داشته است. وی در این خصوص می نویسد: «در حدود هزار و دویست و شصت به توسط دُعای که سید علی محمد باب به قزوین فرستاده بود، او را به جان و دل تصدیق کرد.»^۲

سفر دوم قرۃ العین به کربلا

مطالعه آیات باب و گفتگو با ملا علی بسطامی، قرۃ العین را که زمینه اش برای شور و شرمستعد بود دگرگون کرد، به گونه ای که بلافاصله مشغول مکاتبه با وی شد و باب نیز که طرفداری زنی فاضله و وجهه را موجب پیشرفت کار خود می دید، به وی مأموریت داد که همچون دیگر شیخیان به تبلیغ او بپردازد.

گرویدن قرۃ العین به باب، باعث خشم و ناراحتی شدید عمو، پدر و شوهرش گردید و هر قدر او را نصیحت کردند که از راه باطل دست بردارد، نه تنها تأثیری در وی نداشت، بلکه به عکس سبب شد که با حرارت بیشتری از باب دفاع نماید.^۳

با گرایش قرۃ العین به باب، مشاجرات و نزاع وی با شوهرش تشدید شد و به وضع غیر قابل تحملی برای هر دو طرف رسید و او با داشتن چند فرزند، از شوهر و خانه و زندگی برید و به خانه پدر رفت. پدر قرۃ العین که تا آن لحظه نسبت به منازعه شیخی و اصولی بی طرف مانده بود، به شدت در مقابل انحراف فکری دخترش واکنش نشان داد و او را از هر جهت محدود کرد. آیت الله سید محمد بحر العلوم در این خصوص می نویسد: «در حدود هزار و دویست و شصت به توسط دُعای که سید علی محمد باب به قزوین فرستاده بود، او را به جان و دل تصدیق کرد. چون این خبر به سید رسید، از وی تبجیل و تکریم فوق العاده کرده و به دعوت مأمورش ساخت. شهید ثالث که در منبر و محافل به رد باب و لعن وی می پرداخت، قصه عروس خود را که دانست، به نهایت خشونت او را تهدید کرده، از دعوت منعش نمود و فی الحقیقه از پیشرفت کار باب در قزوین مانع گردید. قرۃ العین چون با عم خود نمی توانست مقاومت کند، لذا بنای

۱. ظهور الحق، ص ۴۹۴.

۲. دست نوشته های آیت الله سید محمد بحر العلوم، ص ۲۰.

۳. تاریخ سمندر، ص ۳۵۲.

بدرفتاری با شوهرش را به جایی کشانید که از قید زناشویی رهایی یافته و به خانه پدر خود، فاضل برغانی آمد. فاضل نیز پس از یأس از تأثیر موعظت و نصیحت، موافق قانون شرع او را در سردابی به حبس افکنده، در اوقات صلوات تازیانه می‌زد و به لعن باب امرش می‌نمود. وی نیز به تَوَرِّیه خود را مستخلص ساخته و به والدۀ فقیر می‌گفته خواهر جان، من در را لعنت کردم!^۱

انتشار خبر پیروی قرۃ العین از باب در قزوین و بازتاب نامطلوب آن در بین اهالی موجب ناراحتی و سرافکنندگی خاندان او که سابقه‌ای طولانی در دفاع از حریم مذهب تشیع و دین اسلام داشتند شد و آن‌ها وقتی که مشاهده نمودند تمام نصایح و تدابیرشان بی‌نتیجه مانده و اثر معکوسی بخشیده است، «به او تکلیف کردند که دوباره به کربلا برود، زیرا امیدوار بودند غیبتش از قزوین نام او را از خاطرها فراموش کند و عظمت و ابهت اماکن مقدسه، او را پشیمان و وادار به توبه نماید.»^۲

چون در آن هنگام شیخیانی که به باب ایمان آورده بودند، به دستور وی برای تبلیغ عازم کربلا بودند، قرۃ العین این پیشنهاد را مغتنم شمرد و در سال ۱۲۶۰ قمری با سپردن فرزندان خردسال خود به خانواده شوهر، همراه با خواهرش مرضیه و شوهر خواهرش میرزا محمدعلی که برای تبلیغ باب عازم کربلا بودند به این شهر رفت^۳ و با توجه به آشنایی و روابط نزدیکی که با همسر سید کاظم رشتی در هنگام سفر اول خود به کربلا داشت^۴، در منزل وی اقامت گزید. همسر سید کاظم که از ارادتمندان قرۃ العین بود، به گرمی از وی پذیرایی کرد و حوزه تدریس و مسند سید را در اختیار او قرار داد. نبیل زرنندی درباره شدت علاقه او به قرۃ العین می‌نویسد: «از طایفه نسوان، اول کسی که در کربلا به واسطه طاهره به امر باب مومن شد، زوجۀ سید کاظم رشتی بود. مشارالیهها مولدش شیراز بود و مطابق بیان شیخ سلطان [کربلایی] نسبت به طاهره نهایت اخلاص و صمیمیت [را] داشت. طاهره را مادر روحانی خود می‌پنداشت و نسبت به او نهایت ارادت و صداقت را دارا بود. علاقه‌اش نسبت به طاهره به درجه‌ای بود که یک ساعت نمی‌توانست از او جدا شود. سایر زن‌ها اعم از عرب و ایرانی چون شدت تعلق زوجۀ

۱. دست‌نوشته‌های آیت‌الله سید محمد بحر العلوم، ص ۲۰.

۲. مذاهب ملل متمدنه (تاریخ نیکلا)، ص ۲۹۱. ۳. ظهورالحق، ص ۳۱۳.

۴. آشنایی قرۃ العین با همسر سید کاظم رشتی اثبات می‌کند وی دو بار به کربلا مسافرت کرده و در سفر اول خود، در مجالس درس و وعظ سید کاظم حضور می‌یافته است.

سید کاظم را به طاهره می‌دیدند، سبب شگفتی و حیرتشان می‌شد و بر ایقان و یقینشان می‌افزود. این زن یک سال پس از تصدیق امر باب، دوران عمرش خاتمه یافت.^۱ علاوه بر همسر سید کاظم، از دیگر کسانی که توسط قرۃ العین بابی شدند، می‌توان به شیخ صالح عرب، شیخ سلطان کربلایی، شیخ محمد شبیل و مادر و خواهر ملا حسین بشرویه‌ای و عده‌ای دیگر از زنان شیخی مسلک که در مجلس درس وی حضور می‌یافتند اشاره کرد.^۲

اقدامات قرۃ العین در کربلا

تشکیل مجلس درس و تبلیغ باب - قرۃ العین در هنگام اقامت در منزل سید کاظم رشتی مجلس درس او را احیا کرد، به طوری که همه روزه در پس پرده می‌نشست و بابیان مقیم کربلا از قبیل: شیخ محمد شبیل، شیخ صالح کریمی، سید احمد یزدی (پدر سید حسین یزدی کاتب مخصوص باب)، سید محمد گلپایگانی، شیخ سلطان کربلایی، ملا طاهر شیرازی و ملا ابراهیم محلاتی و جمعی دیگر، در مجلس درس او حاضر می‌شدند و به سخنانش گوش فرا می‌دادند. قرۃ العین در این مجالس، به ترجمه، تفسیر و شرح آیات باب و حل مشکلات دینی و فقهی شیخیه می‌پرداخت و با ادله مخصوص به خود و سرودن اشعار شورانگیز، ظهور باب را مورد اثبات قرار می‌داد. میرزا جانی کاشانی درباره‌ی مجالس درس قرۃ العین می‌نویسد: «زمانی ایشان به کربلا مشرف شدند و قرار مجلس درسی فرمودند که مردم از پس پرده و زنان در اندرون پرده مستمع می‌شدند.»^۳

مجادله و مکاتبه با علما - قرۃ العین علاوه بر تبلیغ و دعوت مردم، با بسیاری از علمای کربلا درباره‌ی باب به مباحثه و مجادله پرداخت و همچنین برای برخی از روحانیون ایران و و عتبات و از جمله پدر و عمویش و شیخ محمدحسن نجفی^۴ نامه‌هایی فرستاد و ضمن اثبات حقانیت باب، آنان را به پیوستن به آئین جدید فرا خواند.

شکستن حرمت ماه محرم - همه ساله در ماه محرم طبق رسم معمول، در منزل سید کاظم رشتی مجلس روضه‌خوانی برقرار می‌شد. چون همسر سید کاظم اداره‌ی امور خانه‌ی سید را از هر جهت به قرۃ العین سپرده بود، قرۃ العین با توجه به این که تولد باب در شب اول

۱. مطالع الانوار (تلخیص تاریخ نبیل زرنندی)، ص ۲۴۰ و ۲۴۱.

۲. مطالع الانوار، ص ۲۴۱ - ظهور الحق، ص ۱۴۴. ۳. نقطة الکاف، ص ۱۴۰.

۴. تاریخ سمندر، ص ۳۴۷.

محرم واقع شده است، مانع از برپایی مراسم تعزیه و روضه خوانی شد و به همراه خواهرش مرضیه، حنا استعمال کرد و لباس های رنگین پوشید و دستور به جمع آوری قهوه و قلیان^۱ و نوشیدن چای داد. این حرمت شکنی آشکار، موجب اعتراض و مخالفت گسترده روحانیون گردید و قرۃ العین در پاسخ، آن ها را به مناظره و مباحله فرا می خواند.^۲

ادعای رجعت فاطمی - چون بسیاری از کسبه و مردم کر بلا از رفتار قرۃ العین در شکستن حرمت ماه محرم منزجر شده و از روی تعصب و حمیت اسلام خواهی به شیخ احمد احسائی، سید کاظم رشتی و سید علی محمد باب توهین می کردند، بابیان با استناد به این حدیث مجعول، که: «هر کس شیعیان کامل را سب نماید، به تحقیق امام را سب کرده است و سب به امام، سب به رسول الله می باشد و ناصبی به آن حضرت، کافر و نجس است»^۳، از بازاریان چیزی نمی خریدند و از این جهت در سختی به سر می بردند. اما پس از آن که رساله احکام فرعیه باب، موسوم به رساله عدلیه منتشر گردید و در آن رساله، باب نگاه آل الله را به عنوان یکی از مَطْهَرَات^۴ دانسته بود^۵، قرۃ العین خود را مظهر عصمت و طهارت حضرت فاطمه (س) معرفی کرد و از بابیان خواست آنچه را که از بازار می خرند، به نظر او رسانند تا حلال و مطهر گردد. بدین ترتیب، پس از حرمت شکنی در ماه محرم، اولین نمونه بدعت گذاری در دین و ترک حدود اسلامی که از بابیان مشاهده شد، توسط قرۃ العین به مرحله اجرا درآمد. میرزا جانی کاشانی در این خصوص می نویسد: «ایشان مدعی شدند که من مظهر جناب فاطمه علیها السلام می باشم و حکم چشم من، حکم چشم مبارک ایشان است و هر چه من نظر نمایم، طاهر می شود. پس فرمودند ای اصحاب، هر چه را در بازار گرفتید بیاورید من نظر نمایم تا حلال شود و اصحاب چنین کردند»^۶.

ردیه نویسی علیه منکرین باب - قرۃ العین علاوه نامه نگاری به اطراف و اکناف و فرا خواندن مردم به سوی باب، ردیه ها و رساله های متعددی علیه منکرین و دشمنان باب نوشت که از آن میان می توان به رساله ای به عربی در جواب ایرادات حاج محمدکریم خان کرمانی

۱. باب مصرف قهوه و قلیان را برای پیروان خود، حرام دانسته و به جای آن، امر به نوشیدن چای داده بود!

۲. تاریخ سمندر، صص ۷۸، ۳۴۶ و ۳۴۷. ۳. نقطة الکاف، ص ۱۴۰.

۴. پاک کننده ها.

۵. بر خلاف احکام اسلامی که آب، زمین و خورشید جزو پاک کننده ها محسوب شده اند.

۶. نقطة الکاف، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

و رساله‌ای به فارسی در رد ملا جواد ولیانی اشاره کرد.^۱
اقدامات قرّة العین در هنگام اقامت در کربلا، موجب رشد و گسترش بابیت در آن سامان شد و عده‌ای از شیخیان مقیم کربلا از ایرانی و عرب به واسطه او به باب گرویدند.

شکایت علما به حاکم کربلا

تبلیغ علنی قرّة العین و بدعت‌گذاری‌های وی و به خصوص شکستن حرمت ماه محرم نه تنها مخالفت مجتهدین برجسته اصولی حوزه کربلا از قبیل شیخ محمدحسن نجفی را برانگیخت، بلکه موجب اعتراض گسترده علمای بارز شیخیه همچون ملا حسن گوهر، میرزا محیط، سید علی کرمانی و عده‌ای دیگر شد، به طوری که به حاکم کربلا شکایت نمودند و دفع او را خواستار شدند.^۲

پس از شکایت علما، مردم که از رفتار غیر اسلامی قرّة العین به خشم آمده بودند، به خانه سید کاظم که محل فعالیت و سکونت قرّة العین بود هجوم بردند و آن را سنگباران کردند. با تجمع مردم در اطراف خانه سید کاظم، شهر دستخوش اضطراب و هیجان شد، به طوری که نزدیک بود در این گیر و دار عده‌ای کشته شوند. حاکم کربلا به منظور آرام کردن اوضاع و جلوگیری از ایجاد آشوب و اغتشاش عمومی، امر به دستگیری قرّة العین داد. در پی این دستور، مأمورین در ابتدا به اشتباه، به جای قرّة العین یکی از زنان بابی به نام خورشید بیگم خانم اصفهانیه ملقب به شمس الضحی را دستگیر کردند.^۳ در این هنگام، قرّة العین به حاکم چنین پیغام فرستاد: «من مدعی مقام علم می‌باشم، علمای سنی و شیعه را جمع نما تا آن که با ایشان سخن نمایم».^۴

حاکم کربلا پس از دریافت این پیغام، امر به توقیف قرّة العین در منزل سید کاظم داد و با او قرار گذارد که از کربلا خارج نشود تا در این خصوص، از نجیب پاشا والی بغداد کسب تکلیف نماید. بدین ترتیب، قرّة العین مدت سه ماه در خانه سید کاظم زیر نظر مأمورین توقیف و تحت نظر بود و گماشتگانی که در اطراف منزل سید حضور داشتند، به طور کامل مراد و ارتباط او را با هم‌کیشانانش قطع کردند.

۱. صدمین سال قرّة العین، ص ۴.

۲. ظهور الحق، ص ۲۳۵ - چهار رساله تاریخی درباره طاهره قرّة العین، ص ۲۲ - تاریخ سمندر، ص ۳۴۷.

۳. تذکره الوفاء، ص ۲۹۶.

۴. نقطه الکاف، ص ۱۴۱.